

# **The Linguistic Study of Prose Style in “Buf-e-Kur” by Sadegh Hedayat, with Respect to the Frequency of Different Types of Deviation**

Maryam Iraj<sup>1</sup>  
Pantea Nabiiyan<sup>2</sup>

The present study is an attempt to find the frequency of eight kinds of linguistic deviation in a novel called "Buf-e-kur" by “Sadegh Hedayat” an Iranian short story writer. Deviation as a foregrounding means is a creative use of language that a writer selects to surprise his readers. He defamiliarizes his writing for the readers and creates novelty by deviating from the norms of literary conventions or the norms of the everyday speech. The writer of this paper has tried to analyze the frequency of deviation in the aforementioned novel on the basis of Leech's frame work and has investigated all the 3000 existing sentences in details. The charts show the exact percentage of different deviations which were manipulated by the novel writer. Several examples are also added. The existence of kinds of deviation as a foregrounding means to defamiliarize the writing of the novel and different frequency of each type of deviation were firstly under questioned. It has been hypothesized that there exists eight kinds of deviation with different frequencies. Conclusion revealed that eight sorts of deviation are seen in this novel with different frequencies. The highest frequency of deviation belongs to grammatical deviation in 289 propositions which equals to 23 percent considering other types of deviation.

Key Words: foregrounding, defamiliarization, deviation.

---

<sup>1</sup>- Assistant professor, linguistics Department, Islamic Azad University, Tehran Central Branch    Miraji180@gmail.com

<sup>2</sup>- M.A. student in linguistics, Islamic Azad University, Tehran Central Branch  
Pantea19782002@yahoo.com

# بررسی زبان‌شناختی سبک نثر در رمان بوف کور، اثر صادق هدایت با توجه به بسامد گونه‌های هنجارگریزی

مریم ایرجی<sup>۱</sup>  
پانته آ نبی‌نیا<sup>۲</sup>

## چکیده

در این مقاله جهت بررسی زبان‌شناختی سبک نثر، چارچوب طبقه‌بندی «لیچ» مینا و اساس کار قرار گرفته است. نویسندگان و شعرا آگاهانه یا ناآگاهانه هنجارگریزی را به عنوان ابزار برجسته‌سازی متن به کار می‌گیرند تا با آشنایی‌زدایی عوامل آشنای روزمره و با گریختن از قواعد هنجارهای روزمره، توجه مخاطبان خود را به نکات بسیار پیش پا افتاده جلب کنند. نگارندگان تمام ۳۰۰۰ گزاره موجود در متن رمان بوف کور اثر صادق هدایت را با دقت تحلیل و پس از طبقه‌بندی انواع هنجارگریزی-های موجود با استفاده از نمودارها و توضیح یک به یک موارد، بسامد وقوع انواع هنجارگریزی‌ها در متن بوف کور را ارائه می‌کنند. هدف از این مقاله متجلی ساختن ارتباط نزدیک ادبیات و علم زبان‌شناسی است. فرض نگارندگان بر این است که هشت نوع هنجارگریزی با میزان وقوع متفاوت در متن رمان وجود دارد. در پی اعمال روش توصیفی-تحلیلی، توضیح جزء به جزء تمامی موارد یافت شده و ارائه نمودارها، انواع هشت‌گانه هنجارگریزی به عنوان ابزار برجسته‌سازی در متن با بسامدهای کاملاً متفاوتی دیده شدند. بالاترین میزان وقوع در ۲۸۹ مورد برابر با ۲۳ درصد، متعلق به هنجارگریزی نحوی و پایین‌ترین بسامد وقوع در ۱۲ مورد برابر با یک درصد، به هنجارگریزی گویشی مربوط است.

**واژه‌های کلیدی:** برجسته‌سازی، هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی،

---

<sup>۱</sup> - استادیار، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Miraji180@gmail.com

<sup>۲</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد، زبانشناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز  
Pantea19782002@yahoo.com

## ۱- مقدمه

با بررسی زبان‌شناختی سبکی داستان هدایت از نظر وقوع هنجارگریزی سعی بر آن است تا توجه علاقمندان به نکات ظریف نهفته در این اثر جلب شود، چراکه هدایت، آگاهانه یا نا آگاهانه از یکی از ابزار برجسته‌سازی بنام هنجارگریزی بهره جسته تا به نوعی بتواند با مخاطبان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسایل بسیار روزمره پیش پا افتاده بس آشنا سوق دهد. زندگی همین روز مرگی‌هاست که ما ساده از آنها می‌گذریم و همه امور را آن قدر آشنا می‌بینیم که حتی به ذهنمان هم خطور نمی‌کند که می‌توان تمامی آنها را دید، لمس کرد، فهمید یا حتی نوشت. هدایت در این رمان با آشنایی زدایی، به وسیله‌ای، همان بسیار آشناها را دیده است. متون هدایت از ویژگی‌های خاص و در خور توجهی بهره‌مند است. ویژگی‌های خاص سوررئالیستی متن بوف کور، از جمله خصیصه‌هایی است که رمان وی را به نوعی منحصر به فرد ساخته و توجه بسیاری از علاقمندان ادبیات را در سراسر جهان به خود معطوف کرده است. این رمان، با برخورداری از فرایند هنجارگریزی، معرف دیدگاه جدید و خاصی است که به گفته خود وی، نمی‌دانسته که چیست و فقط شور نوشتن احساساتش بود که او را وادار به نوشتن می‌کرد و می‌خواسته آن چه را دیده به رشته تحریر درآورد. طبق بررسی‌های محققان در این راستا، هدایت روزمرگی‌هایی را که در لحظاتی از زندگی تجربه کرده، با مهارتی وصف ناشدنی به رشته تحریر آورده است.

در مقاله حاضر ابتدا نظریه‌های مرتبط با هنجارگریزی بررسی و سپس نمونه‌هایی از داده‌ها ارائه و در نهایت در مورد نمودار، درصدهای کاربرد هر یک از انواع هنجارگریزی در بخش نتیجه‌گیری بحث خواهد شد.

## ۲- بیان مساله

در شعر و نثر، صناعات و ابزار بی‌شماری به کار گرفته می‌شوند تا زیبایی کارکرد ذهن نویسندگان و شاعران در کاربرد زبان، برای خلق آثار جاودان به رخ جهان کشیده شود. در این تحقیق با انتخاب رمان بوف کور، برآنیم تا میزان هنجارگریزی‌های متفاوت به کار رفته توسط صادق هدایت به صورت علمی تحلیل شود. هنجارگریزی، به نوعی آشنایی‌زدایی و غریب‌نمایی نکات بسیار معمول زبان و زندگی روزمره است که شاید اگر به دست شاعران و نویسندگان به کار گرفته نشوند، آن نکات ظریف همیشه از نظرها دور خواهند ماند.

## ۳- روش تحقیق

در مقاله حاضر انواع هنجارگریزی‌ها به لحاظ نحوی، آوایی، نوشتاری، سبکی، گویشی، معنایی، زمانی و واژگانی تعیین و میزان وقوع هر یک از گونه‌های آن بررسی و بالاترین و پایین‌ترین مقدار بسامد

هنجارگریزی‌های موجود در متن رمان مورد نظر مشخص می‌شود. ضمناً برای رسیدن به نتایج صحیح‌تر از نمودارهای ستونی، دایره‌ای و استوانه‌ای بهره گرفته شده است و تمامی ۳۰۰۰ جمله داستان ۱۲۰ صفحه‌ای رمان بوف کور با توجه به معیارهای لیچ در طبقه‌بندی انواع هنجارگریزی‌ها، به دقت بررسی شده‌اند.

#### ۴- برجسته‌سازی

برجسته‌سازی<sup>۱</sup> نخستین بار توسط موکارسکی<sup>۲</sup> (۱۳۷۳) بیان شد. در نظریه برجسته‌سازی، عقیده بر آن است که کلمات، جملات و عبارات به گونه‌ای متفاوت از هنجارهای زبانی به کار گرفته می‌شود تا به نحوی زبان را برجسته سازند. معمولاً این کار به قصد جلب توجه مخاطب انجام می‌شود و نویسنده با استفاده از این فرایند نکته‌ای را برجسته می‌سازد (جفریس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۳۱). برجسته‌سازی یعنی تلاش برای برجسته‌نمایی کلمات و تصاویر (لیچ و شورت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۳۹). این فرایند، رهاسازی و رهاشدن از بند هنجارهای زبانی است که در زندگی روزمره به کار می‌روند (ویلز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱: ۲۱۳). از نظر لیچ دو گونه برجسته‌سازی امکان دارد: الف: پاراللیسم<sup>۶</sup> (دستور) که بر بانظمی‌های غیر منتظره مبتنی است. ب: هنجارگریزی<sup>۷</sup> که بر بی‌نظمی‌های زبانی غیرمنتظره مبتنی است (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۱). براساس این تعریف، هر دو، تا حدودی مفهومی مشابه دارند: آنچه برای خواننده به طور غیرمنتظره‌ای منظم و قاعده‌مند است و آنچه برای مخاطب به گونه شگفت‌انگیزی بی‌قاعده است (لیچ و شورت، ۲۰۰۷: ۴۰). برجسته‌سازی در سطوح مختلف زبانی (واجی- آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی، معنایی و کاربردی) به وقوع می‌پیوندد (سیمپسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴: ۲) و عموماً برای تأکید بر بخش‌هایی از یک متن و برای جلب توجه خواننده به کار گرفته می‌شود (جفریس، ۲۰۱۰: ۳۱). برجسته‌سازی به دو شکل امکان‌پذیر است. نخست آنکه نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار انحراف صورت‌پذیر و دوم قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود. شیوه نخست «هنجارگریزی» و شیوه دوم «قاعده‌افزایی» نام دارد (صفوی، ۱۳۸۰: ۸). لیچ، تعریفی از هنجار به دست نمی‌دهد، اما به نظر می‌رسد عناصر زبان خودکار را هنجار می‌داند (لیچ، ۱۹۶۹: ۸). نمی‌توان تعریف دقیقی از هنجارها و قواعد حاکم بر آنها ارائه داد، مجموعه‌ای کامل از هنجارها را مشخص نمود و آن را ملاکی برای

<sup>۱</sup> - foregrounding

<sup>۲</sup> - Mukarovsky, J

<sup>۳</sup> - norm

<sup>۴</sup> - Jeffries, L.

<sup>۵</sup> - Short, M.

<sup>۶</sup> - Wales, K.

<sup>۷</sup> - parallelism

<sup>۸</sup> - deviation

<sup>۹</sup> - Simpson, P.

شناسایی هنجارگریزی‌ها در نظر گرفت. دلیل این امر متغیر بودن هنجارها است. هنجارها نه تنها در دوره‌های گوناگون بلکه حتی در یک دوره خاص نیز ثابت باقی نمی‌مانند(اخوت، ۱۳۷۳: ۱۰۸).

## ۵- آشنایی زدایی

ویکتور اشکلفسکی<sup>۱</sup>، نخستین بار در سال ۱۹۱۷ آشنایی زدایی<sup>۲</sup> را به کار برد(کرافورد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۲۰۹). در این فرایند سعی بر آن است تا دنیا و مسائل مربوط به آن تا حد امکان غیر طبیعی و غیرمنتظره نمایش داده شود(لیچ، ۱۹۶۹). درمواجه شدن با آشنایی زدایی، تلاش خلاق خود را تا حد امکان به کار می‌گیریم تا بتوانیم موضوعی را درک کنیم و ذهن را تا سر حد نهایت به خلاقیت و تفکر دوباره سوق دهیم(وال<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). طی این فرایند سرعت خواندن متن پایین می‌آید و مراحل درک دچار سختی میشود(مارگولین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴). از نظر اشکلفسکی، کاربرد یک زبان خارجی در متن نیز می‌تواند در زمره آشنایی زدایی قرار گیرد(اشکلفسکی، ۱۹۹۸: ۱۹).

## ۶- هنجارگریزی

هنجارگریزی، از ابداعات صورت‌گرایان<sup>۶</sup> روس است که بیشتر در شعر به آن پرداخته‌اند و آن را به عنوان یکی از اهداف متفاوت زبان ادبی می‌دانند. هنجارگریزی از نظر آنان خلق نوعی بی‌نظمی در زبان است و این بی‌نظمی در برانگیزش شگفتی مخاطب نقش ایفا می‌کند. ممکن است هنجارگریزی در تمام سطوح ساختاری زبان به وقوع بپیوندد(جفریس، ۲۰۱۰: ۳۱). هنجارگریزی در کار هنری به معنای انحراف از هنجارها است. منظور، همان هنجارهایی است که ما به عنوان افراد و اعضای اجتماع، آنها را پذیرفته‌ایم و به کار می‌بریم(لیچ، ۱۹۶۹: ۵۵). هنجارگریزی به عبارتی ایجاد اختلال در فرایندهای ارتباطی عادی و روزمره است که نه تنها در مراحل درک در ذهن خواننده خلالتی ایجاد می‌کند(این خلالتی خالی نخواهد ماند)، بلکه مخاطب با کمک تخیلاتش می‌تواند با این غریب‌نمایی یا همان آشنایی زدایی ارتباط ایجاد کند(همان: ۶۱). گرچه نظرات لیچ پیرامون هنجارگریزی در شعر است، اعتقاد بر این است که در سطح نثر هم این فرایند حضور دارد و خود او نیز این امر را بدیهی دانسته است(مونود<sup>۷</sup>، ۱۹۶۷: ۱۲۶). هنجارگریزی به عنوان یکی از دو گونه برجسته‌سازی، انحراف و دور شدن از قواعد حاکم بر زبان خودکار و هنجار است. در این شیوه، شاعر

<sup>۱</sup>- Shklovskij, V.

<sup>۲</sup>- defamiliarization

<sup>۳</sup>- Crawford, L.

<sup>۴</sup>- Wall, A.

<sup>۵</sup>- Margolin, V.

<sup>۶</sup> formalist

<sup>۷</sup>- Monod, S.

با دور شدن و گریز از قواعد آوایی، واژگانی، دستوری و دیگر قواعد زبان، شعر را از زبان هنجار دور می‌کند و به آن تشخص و برجستگی می‌بخشد. به اعتقاد لیچ، هنجارگریزی گزینش عنصری نامتعارف از میان امکانات بالقوه زبانی است (پیر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۱۴). نمی‌توان هرگونه انحراف از هنجارها و قواعد زبان معیار را هنجارگریزی تلقی کرد، زیرا برخی از انحراف‌ها تنها به ساختی غیردستوری منجر می‌شوند، این گونه ساخت‌ها فاقد ارزش ادبی‌اند و خلاقیت ادبی محسوب نمی‌شوند. لیچ بین انحراف خلاق یا هنجارگریزی و انحراف غیرخلاق تمایز قائل است. او نخستین ویژگی هنجارگریزی را «ارائه مفهوم» می‌داند. از آنجا که هرگونه انحرافی از زبان معیار می‌تواند بیانگر مفهومی خاص باشد و اطلاعاتی را ارائه دهد، این ویژگی حکمی بسیار کلی تلقی می‌شود. هنجارگریزی باید بیانگر منظور و مقصود نویسنده/گوینده باشد. در واقع، ساخت‌های غیردستوری از انحراف‌های خلاق متمایز می‌شوند (لیچ، ۱۹۶۹: ۵۹). در زیر درباره انواع هشتگانه هنجارگریزی بحث خواهد شد.

### ۱-۶- هنجارگریزی آوایی (فراهنجاری آوایی)

هنجارگریزی آوایی<sup>۲</sup> بیشتر در سطح رساخت روی می‌دهد (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۷). در این نوع هنجارگریزی، شاعر/نویسنده گریز می‌زند و صورتی را به کار می‌برد که از نظر آوایی در زبان هنجار متداول نیست و به عبارتی جزء صورت‌های نامتعارف آوایی عناصر واژگانی است. حذف، افزایش و تبدیل واکه یا همخوان، سه گونه از این اختیارات محسوب می‌شوند (حاجی میرزا، ۱۳۸۰: ۶۹).

نمونه‌هایی از هنجارگریزی آوایی به کار رفته در رمان بوف کور در زیر ارائه می‌شود:

۱-۶-۱- حذف همخوان /y/ و واکه /e/ به عنوان کسره اضافه پس از کاربرد کلمه «جلو».

/ɟe lo je/ → /ɟe lo/

جلوی ← جلو

/e/ → Ø / - #

/j/ → Ø / - #

- یک دنیای محو **جلوم** نقش می‌بست.

- مثل اینکه هیچ مانع و عایقی در **جلو** فکر و تصورم وجود نداشت.

- اشکال و اتفاقات باور نکردنی ولی طبیعی **جلو** من مجسم می‌کرد.

۱-۶-۲- حذف واکه /a/ در کلمه پیراهن و تبدیل آن به پیرهن.

پیراهن ← پیرهن

<sup>۱</sup>- Peer, W.

<sup>۲</sup>- phonological deviation

/pirah æ n/ → /pirh æ n/

/a/ → Ø

- دیدم که **پیره‌ن** او را برداشتم.
- **پیره‌ن** ابریشمی نرم کار هند که بوی تن او، بوی عطر موگرا می‌داد.
- از هستی او در این **پیره‌ن** مانده بود.

۶-۱-۳- تبدیل واکه /a/ به واکه /u/ در کلمه «خانه»

/xane/ → /xune /

خانه ← خونه

۶-۱-۴- در واژه یک شاهد تغییری هستیم. که به قرار زیر است:

/jek/ → /je/

/k/ → Ø / - #

(حذف همخوان /k/ در پایان واژه):

- من یه کالسگه نعش کش دارم. (من یک کالسگه نعش کش دارم.)
- مثلاً امروز رفتم یه قبر بکنم. (مثلاً امروز رفتم یک قبر بکنم.)
- یه کالسگه نعش کش هم دارم. (یک کالسگه نعش کش هم دارم.)

۶-۱-۵- تبدیل همخوان /s/ به /t/ در فرآیند همگونی همخوانی پیشرو در چند مورد دیده شده

است که نمونه‌های آن به شرح ذیل است:

-گفت: «حتماً تو می‌خواسی شهر بری، راهو گم کردی».

می‌خواستی ← می‌خواستی

/mixasti/ → /mixassi/

/t/ → /s/ / /s/ -

در این فرآیند آوایی همخوان /t/ در اثر همنشینی با /s/ زیر اثر ویژگی همخوان /s/ قرار گرفته و همخوان /s/ ثابت مانده و /t/ تغییر کرده به /s/ تبدیل شده است. می‌توان این فرآیند را از جمله همگونی پیشرو به حساب آورد.

- گفت: «هیچ میدونسی خیلی وقته زنت آبستن بود؟»

میدانستی ← میدونسی

/midanesti/ → /midunessi/

/t/ → /s/ / /s/ -

- لابد با خودت میگی این وقت شب من تو قبرسون چه کار دارم.

قبرستون ← قبرسون

/qæbrestun/ → /qæbressun/

۶-۱-۶- فرایند ناهمگونی در کلمه‌ی یخه در موارد زیر توضیح داده می‌شود:

- سر و رویش را با شال گردن پیچیده بود، یخه‌اش باز و سینه پشم آلودش دیده می‌شد.

- همیشه با شال گردن چرک و یخه باز که از میان او پشم‌های سفید سینه‌اش بیرون زده با ...

/jæqe/ → /jæxe/

/q/ → /x/

[سایشی] → [+سایشی]

۶-۱-۷- افزایش واکه /e/ در آخر واژه مخدر

∅ → /e/ / - #

- و تنها داروی آن فراموشی به توسط شراب و خواب مصنوعی به وسیله افیون و مواد مخدره است.

مواد مخدر ← مواد مخدره

نمونه‌ای از همگونی ناقص پسرو در کلمه «جنب» چنین توصیف می‌شود:

- ولی پیرمرد بساطی از سر سفره خودش جم نخورد.

جُب ← جُم :

/dʒonb/ → /dʒom/

همخوان‌های /n/ و /b/ بر اثر مجاورت با هم و تأثیری که روی هم گذاشته‌اند به /m/ تبدیل شده‌اند.

1- /n/ → /m/ / - /b/

همگونی ناقص پسرو:

2- /b/ → / - #

حذف همخوان /b/ :

۶-۲- هنجارگریزی نوشتاری (فراهنجاری نوشتاری)

از آنجا که نوع نوشتار بر شیوه تلفظ موثر است، هر گونه اختلال در نوشتار، تلفظ را مختل می‌کند.

مثلا در شعر هرگونه تغییر در طرز نوشتار سطرها باعث پیدایش شیوه خوانش و موجب برانگیزش

نوع دیگری از درک می‌شود(لیچ، ۱۹۶۹: ۴۷). این نوع هنجارگریزی همانند انحراف از قواعد نوشتاری

و املائی، نقطه‌گذاری و قالب‌های نوشتاری، انحراف از قواعد حاکم بر دستگاه خط است(صفوی،

۱۳۸۳: ۴۷). گریز از قواعدی که بر نوشتار زبان خودکار حاکمند، قاعده‌کاهی نوشتاری است.

هنجارگریزی نوشتاری<sup>۱</sup> یعنی به کاربردن شیوه‌ای نامأنوس در نوشتن واژه یا واژگان. بی‌تردید تغییر شیوه نگارش واژه، تغییری در تلفظ واژه به وجود می‌آورد (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۲).

### ۶-۲-۱- دستگاه خط فارسی، اشکالات و قالب‌های آن

دستگاه خط<sup>۲</sup>، نماینده دستگاه آوایی یا واجی زبان است اما نماینده صددرصد آن نیست (باطنی، ۱۳۶۹: ۲۹). دستگاه خط، کل نظام نوشتاری زبان از جمله نشانه‌های خطی و مواردی چون نقطه‌گذاری، پاراگراف‌بندی و املا را در بر می‌گیرد (لیچ، ۱۹۶۹: ۳۹). وجود چند نشانه نوشتاری در برابر یک واج، وجود یک نشانه نوشتاری در برابر چند واج، فقدان نشانه نوشتاری برای برخی از واج‌ها و عدم تلفظ برخی از نشانه‌های نوشتاری از جمله عواملی‌اند که سبب برهم خوردن رابطه یک به یک میان صورت‌های گفتاری و نوشتاری فارسی شده‌اند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۷۵). قالب‌های نوشتاری بخش دیگری از دستگاه خط است (نبوی، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

نمونه‌هایی از هنجارگریزی‌های نوشتاری موجود در سطح رمان بوف کور در زیر ارائه می‌شود:

- از من بدش می‌آمد- شاید می‌خواست آزاد باشد- بالاخره یک شب تصمیم گرفتم.

صورت صحیح: از من بدش می‌آمد. شاید می‌خواست آزاد باشد. بالاخره یک شب تصمیم گرفتم.

( به جای (کاربرد (-) استفاده از (.) شایسته تر بود.)

- آمدم دم در، که به جای مزد قوطی را به پیرمرد کالسگه چی بدم. (عدم استفاده از «.»)

صورت صحیح: آمدم دم در، به جای مزد، قوطی را به پیرمرد کالسگه چی بدهم.

- «بیش از این ممکن نیست... تحمل ناپذیر است...» ( کاربرد ... به جای . )

صورت صحیح:

«بیش از این ممکن نیست. تحمل ناپذیر است.»

استفاده از اعراب گذاری، نوعی گریز از قواعد حاکم بر نظام نوشتاری زبان فارسی محسوب می‌-

شود.

- مردم بر سبیل عقاید جاری و عقاید خودشان سعی می‌کنند آن را با لبخند شکاک و تمسخر آمیز

تلقی می‌کنند.

- آیا یک مُشت سایه نیستند که فقط برای مسخره کردن و گول زدن من به وجود آمده‌اند.

- باید خودم را بهش معرفی بکنم.

- سه ماه، نه، دو ماه و چهار روز بود که پی او را گم کرده بودم،

- برایم فقط یک دلخوشی یا دلخوش کُنک مانده بود.

<sup>۱</sup> - graphological deviation

<sup>۲</sup> - orthography

گریز از قواعد حاکم بر املاي واژگان، هنجارگريزي نوشتاري محسوب مي‌شود. در زير نمونه‌هايي از اين دست ارائه مي‌شود:

- حتا صدایشان یک جور بوده. صورت صحیح: (حتی)
- که آدمی زاد در آن جا وجود نداشته باشد. صورت صحیح: (آدمیزاد)
- چه قدر سست و بچه گانه و تقریباً یک جور تفریح برای اشخاص تندرست و خوشبخت بود. چه صورت بچه گانه، چه حالت غریبی! صورت صحیح: (بچگانه)
- همین گرفتاری‌های بچه گانه را داشته‌اند. صورت صحیح: (بچگانه)

### ۶-۳- هنجارگريزي واژگاني (فراهنجاري واژگاني)

ابداع لغات<sup>۱</sup> یا اختراع واژگان جدید، یکی دیگر از ابزار آشکار برای پشت سر گذاردن هنجارهای زبانی است و نقض قوانین واژگانی بحساب نمی‌آید، بلکه به عبارتی به قواعد صرفی زبان عمومیتی غیر معمول تر می‌بخشد (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۲-۴۴). این نوع هنجارگريزي، انحراف از قواعد صرفی است. بدین ترتیب که نویسنده/ شاعر برحسب قیاس و یا برحسب گریز از قواعد صرفی زبان هنجار واژه‌ای جدید می‌آفریند و به کار می‌برد (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۶).

نمونه‌هایی از هنجارگريزي‌های واژگانی<sup>۲</sup> موجود در متن رمان بوف کور:

- در هوای بارانی که از زندگی رنگ‌ها و بی‌حیایی خطوط اشیا می‌کاهد (به قیاس با ترکیباتی چون دوندگی، خوانندگی و رانندگی و... ساخته شده است).
- روح شکننده و موقت او هیچ رابطه‌ای با دنیای زمینیان نداشت (به قیاس با ترکیباتی نظیر بهشتیان، جهنمیان ساخته شده است).
- خنده خشک و چندش انگیزی کرد (به قیاس با ترکیباتی نظیر هیجان انگیز ساخته شده است).
- پیرمرد خنده خشک و چندش انگیزی کرد (چندش آور).
- انعکاس این خنده چندش انگیز و وحشت این آزمایش تاثیر خودش را در من گذاشته.
- یا خاکستر نشین بود؟ (دل سوخته و سوگ نشین)
- آیا خاکستر نشین این لکاته شده بود.
- (به قیاس با ترکیباتی نظیر آپارتمان نشین، کوخ نشین، کاخ نشین و... ساخته شده است).
- یک ناله مخلوط با خنده چند شناک بلند می‌شود (چندش آور).

<sup>۱</sup> - neologism

<sup>۲</sup> - Lexical deviation

#### ۴-۶- هنجارگریزی گویشی (فراهنجاری گویشی)

در برخی موارد که شاعر/نویسنده، واژگان یا ساخت‌هایی را از گویشی غیر از زبان هنجار و یا از زبان دیگری وارد شعر و متن ادبی می‌کند، در این صورت هنجارگریزی گویشی<sup>۱</sup> حاصل می‌شود (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۲). در فراهنجاری گویشی، شاعر برای گریز از زبان هنجار، واژه‌ها و اصطلاح‌های محلی نواحی گوناگون را با همان گویش محلی در شعر خود به کار می‌برد (کاخی، ۱۳۷۱: ۸۲).

#### ۴-۶-۱- تعریف گویش

معمول‌ترین معیار زبانی برای تمایز میان زبان و گویش<sup>۲</sup> قابلیت فهم متقابل است. اگر سخنگویان دو گونه زبانی بدون هیچگونه آموزش آگاهانه، قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر باشند، این دو گونه زبانی، گویش‌های یک زبان واحد محسوب می‌شوند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳۴). فهم متقابل گویش‌ها به آموزش نیاز دارد (کلباسی، ۱۳۸۹: ۲). تعریف گویش در چنین هنجارگریزی بر پایه معیارهای زبانی و غیرزبانی است (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۹).

نمونه‌هایی از هنجارگریزی‌های گویشی در متن رمان بوف کور در زیر ارائه می‌شود:  
- همیشه یک درخت سرو می‌کشیدم که زیرش پیرمردی قوز کرده، شبیه جوکیان هندوستان عبا به خودش پیچیده (yogi افرادی که در هندوستان در ورزش یوگا مهارت دارند و به نیروهای ماورا دست پیدا می‌کنند).

- و دور سرش شالمه بسته بود (turban: دستار، در انگلیسی و هندی)

- پیر مردی بود قوز کرده که شالمه هندی دور سرش بسته بود، چنپاتمه نشسته.

(چنپاتمه: برگرفته از زبان ترکی حالتی از نشستن که زانوها در بغل و کف پاها بر زمین باشد).

- رفت کنار اتاق چنپاتمه زد.

#### ۴-۶-۵- هنجارگریزی سبکی (فراهنجاری سبکی)

شاعران معاصر از بند زبان شعر، خود را رها کرده‌اند و به ابداعات ادبی جدیدی دست زده‌اند و از گویش‌های متفاوت در شعرشان بهره جسته‌اند. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در اشعار الیوت مشاهده کرد (لیچ، ۱۹۶۹: ۵۹). کاربرد همزمان یا در آمیختن دو سبک<sup>۳</sup>، از بارزترین نمونه‌های هنجارگریزی سبکی<sup>۴</sup> به شمار می‌رود (همان: ۵۰). با گزینش سبک زبانی نامناسب، طنز به وجود می‌آید (هالیدی و همکاران، ۱۹۶۴: ۸۸).

<sup>۱</sup>- dialectal deviation

<sup>۲</sup>- dialect

<sup>۳</sup>- style

<sup>۴</sup>- deviation of register

به کارگیری سبک‌های گوناگون از ویژگی‌های بارز نثر ادبی به ویژه داستان‌نویسی است. حضور شخصیت‌های گوناگون از طبقات گوناگون اجتماعی و با ویژگی‌های خاص زبانی، علت عمده چنین ویژگی است (صادقی، ۱۳۶۲: ۲۱). هرگاه با کاربرد تنوعات سبکی از دو لایه اصلی یعنی گونه نوشتاری زبان معیار، گریز زده شود، هنجارگریزی سبکی به وقوع می‌پیوندد (لیچ، ۱۹۶۹: ۵۰). در فراهنجاری سبکی، شاعر می‌تواند از لایه اصلی شعر - که سبک نوشتار معیار است - گریز بزند و از واژه‌ها، عبارتها و جمله‌های گفتاری نیز بهره گیرد. به بیان دیگر شاعر گونه‌های زبانی را در شعر خود با هم می‌آمیزد (کاخی، ۱۳۷۱: ۸۲).

#### ۶-۵-۱- تعریف سبک

تنوع در نوشتار و گفتار شخصی را سبک می‌گویند. به گونه زبانی که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به کار می‌رود «سبک» گفته می‌شود (کلباسی، ۱۳۸۹: ۵). در زیر نمونه‌هایی از هنجارگریزی‌های سبکی در رمان بوف کور ارائه می‌شود:

- من فقط برای سایه خودم می‌نویسم که جلو چراغ به دیوار افتاده است، باید خودم را بهش معرفی بکنم (به او).

- این سرما تا ته قلب من نفوذ می‌کرد (اعماق).

- آب تو دلم تکان نمی‌خورد (در).

- این وقت شب من تو قبرستون چه کار دارم! (در).

- هر دفعه که بر می‌گشتم توی تخم چشمم نگاه می‌کرد (به).

#### ۶-۶- هنجارگریزی زمانی (فراهنجاری زمانی)

آرکائیسم<sup>۱</sup>، به نوعی رهایی از زبان گذشتگان است. بسیاری از شعرا در گذشته، اصالت کارهای خود را میراث‌داری زبان گذشتگان خویش می‌دانستند (لیچ، ۱۹۶۹: ۵۲). به برجسته‌سازی زبان از طریق به کار بردن واژگانی که متعلق به دوران پیشین است و امروزه دیگر کاربردی در زبان معیار ندارند هنجارگریزی زمانی<sup>۲</sup> می‌گویند (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۱). در فراهنجاری زمانی، شاعر از قواعد زبانی زمان خود دور می‌شود و صورت‌هایی از زبان را به کار می‌برد که پیش از این رایج بود و امروزه کاربرد چندانی ندارند. به این شیوه از هنجارگریزی «آرکائیسم» یا کهن‌گرایی یا باستان‌گرایی می‌گویند. بنا به تعریف لیچ، هنجارگریزی زمانی (آرکائیسم) ادامه حیات زبان گذشته در خلال زبان امروز است (کاخی، ۱۳۷۱: ۸۲). تمام عنصر آوایی، واژگانی، دستوری و معنای یک زبان که در گذشته به

<sup>۱</sup> - archaism

<sup>۲</sup> - deviation of historical period

کار گرفته می‌شدند اما امروزه فاقد کارایی‌اند، عناصر منسوخ<sup>۱</sup> شده نام دارند. هرگاه عناصر منسوخ زبانی همچون وندها، ریشه‌ها و ساختمان نحوی و معنایی گذشته در زبان امروز به کار گرفته شوند فرایند باستان‌گرایی یا به عبارتی هنجارگریزی زمانی حاصل می‌شود (بائر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴: ۴۹).

- بالاخره حکیم باشی را خبر کردند (پزشک).

- دو قرآن و یک عباسی بیشتر توی جیبم نبود (۳ بار تکرار در متن) (قرآن و عباسی واحدهای پولی‌اند که دیگر استفاده نمی‌شوند).

- آثار و بناهای قدیمی با خشت‌های کلفت و یک رودخانه خشک در آن نزدیکی دیده می‌شد (آجر).

- چند شب پیش، همین که در شاه‌نشین حمام لباس‌هایم را کندم (لباس‌هایم را در آوردم).

- رفتم در پستو تاریک اتاقم (اتاق پشتی).

- ناگهان نگاهم به بالای رف افتاد.

(رف: تخته‌ای که مانند طاقچه‌ای به دیوار اتاق بکوبند که چیزی روی آن بگذارند، طاقچه‌ای باریک

که در سرتاسر دیوار اتاق نزدیک سقف با گچ درست می‌کنند. جمع آن: رفوف).

- به کوزه آب که روی رف بود خیره شده بودم. به نظرم آمد تا مدتی که کوزه روی رف است خوابم نخواهد برد.

- گویا به مناسبت تولد من این شراب را انداخته بودند- بالای رف بود.

- ارخالق سنبوسه طوسی پوشیده بود.

(ارخالق: جامه بلند ضخیم پنبه‌ای) (سنبوسه: لچک زنانه و سه گوشه)

- فلوس به ناف عمه‌ام بسته است!

(به معنی پیشیز، پول سیاه، سکه فلزی که بیشتر در عراق رایج است و نیز به معنی پولک است)

- بوی مجری دوا، بوی دواهایی که در اتاق بچه نگه می‌دارند و از هند می‌آید (صندوقچه).

- دایه‌ام چاشت مرا آورده (صبحانه).

- با وجود تب و دوار سر یک نوع اضطراب و هیجان مخصوصی در من تولید شده بود (سرگیجه).

- جلو ارسی نشستم (صندلی).

## ۶-۷- هنجارگریزی نحوی (فراهنجاری دستوری)

میان غیر دستوری بودن<sup>۳</sup> و هنجارگریزی نحوی<sup>۴</sup> تفاوت‌هایی وجود دارد (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۴). این نوع هنجارگریزی، گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان هنجار است (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۱) که با جابجایی،

<sup>۱</sup>- obsolete

<sup>۲</sup>- Bauer, L.

<sup>۳</sup>- ungrammaticality

<sup>۴</sup>- grammatical deviation

حذف یا کاربرد و تطابق نابجای عناصر سازنده جمله، بند و یا گروه تحقق می‌یابد (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۵). با وجود آنکه گاه امکانات گوناگونی برای یک ساخت نحوی معین وجود دارد، اما همواره یک آرایش نحوی، بنیادی‌تر از سایر آرایش‌ها است (ثمره، ۱۳۶۹: ۷۳). گاهی جای مضاف و مضاف‌الیه عوض و کسره اضافه بین آنها حذف می‌شود. در واقع این هنجارگریزی به نوعی واژی-نحوی<sup>۱</sup> است چراکه گریز از هنجارهای نحوی، به ترکیب واژگانی نو می‌انجامد (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۱). فراهنجاری دستوری در قلمرو دستور زبان صورت می‌گیرد، چراکه امکانات دستوری و حوزه اختیار و انتخاب دستوری هر زبان، محدود و مشخص است. در این شیوه، شاعر با جابجا کردن عناصر و اجزای سازنده جمله و رعایت نکردن ترتیب و قواعد دستوری از هنجار دستور زبان گریز می‌زند و به این ترتیب زبان خود را از زبان عادی متمایز می‌سازد (کاخی، ۱۳۷۱: ۸۲).

- حتا به توسط عمویم از این جلد قلمدان‌ها به هندوستان می‌فرستادم.

صورت صحیح: حتا توسط عمویم از این جلد قلمدان‌ها به هندوستان می‌فرستادم.

(کاربرد دو حرف اضافه پشت سرهم)

- به هر حال عمویم پیرمردی بود قوز کرده که شالمه هندی دور سرش بسته بود، عبای زرد پاره

الف ب

ای روی دوشش بود و سر و رویش را با شال گردن پیچیده بود، یخه‌اش باز و سینه پشم آلودش

پ ت ث

دیده می‌شد. ریش کوسه‌اش را که از زیر شال گردن بیرون آمده بود، می‌شد دانه دانه شمرد، پلک‌های ناسور و لب شکری داشت.

صورت صحیح: به هر حال عمویم پیرمردی قوز کرده بود که شالمه هندی دور سرش می‌بست،

عبای زرد پاره‌ای روی دوشش می‌انداخت و سر و رویش را با شال گردن می‌پیچید یخه‌اش باز بود. و سینه پشم‌آلودش دیده می‌شد. ریش کوسه‌اش را که از زیر شال گردن بیرون آمده بود می‌شد دانه دانه شمرد.

الف: (جابجایی محل قرارگیری گروه فعلی) ب: (کاربرد نابجای فعل)

پ: (کاربرد نابجای فعل) ت: (کاربرد نابجای فعل)

ث: (حذف فعل اسنادی)

- به محض ورود، رفت کنار اتاق چنباتمه ز.

صورت صحیح: به محض ورود، کنار اتاق رفت و چنباتمه زد (جابجایی گروه فعلی).

- فهمیدم که آن گل‌های نیلوفر، گل معمولی نبود.

صورت صحیح: فهمیدم که آن گل‌های نیلوفر، گل معمولی نبودند.

<sup>۱</sup> - morphosyntactic

- (عدم تطابق فعل اسنادی با گروه اسمی جمع به لحاظ شمار)
- همه این کارها را می‌بایست به تنهایی و به دست خودم انجام بدهم.  
 صورت صحیح: همه این کارها را می‌بایست به تنهایی و با دست خودم انجام بدهم.  
 ( کاربرد حرف اضافه "به" بجای "با" )
- هر کس دیروز مرا دیده، جوان شکسته و ناخوشی دیده است ولی امروز پیرمرد قوزی می‌بیند که موهای سفید، چشم‌های واسوخته و لب شکری دارد.  
 صورت صحیح: هر کس دیروز مرا دیده، جوان شکسته و ناخوشی دیده است ولی امروز پیرمردی قوزی می‌بیند که موهای سفید، چشم‌های واسوخته و لب شکری دارد. (حذف بای نکره)
- من تازه به دنیا آمده بودم که عمویم از مسافرت خود به بنارس بر می‌گردد.  
 صورت صحیح: من تازه به دنیا آمده بودم که عمویم از مسافرت خود به بنارس برگشت.  
 (عدم تطابق زمانی دو فعل در دو بند متوالی)
- به صورت او آشنا بودم، مثل این بود که در بچگی همین صورت را دیده بودم.  
 صورت صحیح: با صورت او آشنا بودم، مثل این بود که در بچگی همین صورت را دیده بودم.  
 (کاربرد نابجای حرف اضافه «به» به جای «با»)
- من از شدت ترس پا گذاشتم به فرار.  
 صورت صحیح: من از شدت ترس پا به فرار گذاشتم (جابجایی عنصر واژگانی در گروه فعلی)
- چاشت مرا گذاشته بود در اتاق بالاخانه.  
 صورت صحیح: چاشت مرا در اتاق بالاخانه گذاشته بود (جابجایی محل قرارگیری فعل)
- دیدم اخمش درهم بود.  
 صورت صحیح: دیدم که اخمش درهم بود (حذف حرف ربط «که»)

#### ۶-۸- هنجارگریزی معنایی (فراهنجاری معنایی)

اگر هنجارگریزی معنایی<sup>۱</sup> را گونه‌ای بی‌هودگی و بی‌معنایی در نظر بگیریم منطقی به نظر می‌رسد. منظور از معنا و مفهوم، تطابق با منطق خواهد بود. اگر بگوییم «بچه، پدر آن مرد است» جمله به لحاظ منطقی با معنا نیست و نوعی شگفت برانگیز است و با استانداردهای منطق هماهنگ نیست. غیرممکن است بچه‌ای، پدر مردی باشد. ممکن است یک نویسنده/شاعر به عمد این کار را انجام دهد، تنها به علت بزرگنمایی یا جلب توجه مخاطب به غیرعادی بودن مورد (لیچ، ۱۹۶۹: ۴۸). هنجارگریزی معنایی یعنی تخطی از معیارهای معنایی تعیین‌کننده هم‌آبی واژگان، به عبارت دیگر یعنی از مشخصه‌های معنایی حاکم بر کاربرد واژگان در زبان معیار تخطی کردن. از آنجا که حوزه

<sup>۱</sup> - semantic deviation

معنایی به عنوان انعطاف‌پذیرترین سطح زبان، بیش از دیگر سطوح آن، در برجسته‌سازی ادبی به کار می‌رود، شیوه‌هایی مانند استعاره، مجاز، تشبیه، تشخیص، پارادکس، کنایه و ... در مجموعه هنجارگریزی معنایی جای می‌گیرند(کاخی ۱۳۷۱: ۸۲).

- از یک روزنه بدبخت پستوی اتاقم دیدم.

روزنه ← بدبخت

$$\left[ \begin{array}{c} + \text{ جسم} \\ - \text{ انسان} \end{array} \right] \leftarrow \left[ + \text{ انسان} \right]$$

- شب پاورچین پاورچین می‌رفت.

«پاورچین رفتن» یکی از اعمالی است که در حیطه قدرت و از توانایی‌های انسان به حساب می‌آید؛ در صورتی که شب فاقد ویژگی [+ انسان] است و فاعل «پاورچین رفتن» واژه‌ای [+ انسان] می‌طلبد که در زبان معیار چنین ویژگی‌ای را دارا نیست.

شب ← پاورچین رفتن

$$\left[ \begin{array}{c} - \text{ انسان} \\ + \text{ مجرد} \end{array} \right] \leftarrow \left[ \begin{array}{c} + \text{ انسان} \\ - \text{ مجرد} \end{array} \right]$$

- مثل این که تمام افکارم شسته می‌شد.

فکر ← شسته شدن

$$\left[ \begin{array}{c} + \text{ سیال} \\ - \text{ جسم} \end{array} \right] \leftarrow \left[ \begin{array}{c} + \text{ جسم} \\ - \text{ سیال} \end{array} \right]$$

- شهری که بزرگترین شهر دنیا به شمار می‌آید، پشت اتاق من نفس می‌کشد و زندگی می‌کند.

الف: شهر ← زندگی کردن

$$\left[ \begin{array}{c} - \text{ جاندار} \\ - \text{ گیاه} \end{array} \right] \leftarrow \left[ \begin{array}{c} + \text{ جاندار} \\ + \text{ حیوان} \end{array} \right]$$

ب: شهر ← نفس کشیدن

$$\left[ \begin{array}{c} - \text{ جاندار} \\ - \text{ گیاه} \end{array} \right] \leftarrow \left[ \begin{array}{c} + \text{ جاندار} \\ + \text{ حیوان} \end{array} \right]$$

- اما برای این که بتوانم زندگی خود را شرح بدهم، باید یک حکایت‌هایی راجع به ایام طفولیت، راجع به عشق، عروسی و مرگ وجود دارد و هیچ کدام حقیقت ندارد! من از قصه‌ها و عبارت پردازی خسته شده‌ام. من سعی خواهم کرد این خوشه را بفشارم.

زندگی ← خوشه

[- روئیدنی] ← [+ روئیدنی]

- برادر زنم روی سکو نشسته بود، مثل سیبی که با خواهرش نصف کرده باشند.

برادر زن و خواهر ← سیب

[- روئیدنی] ← [+ روئیدنی]  
[+ انسان] ← [- انسان]

- اگر آب معمولی به رویش می‌زد، صورتش می‌پلاسد.

صورت ← پلاسدن

[+ انسان] ← [- انسان]  
[- گیاه] ← [+ گیاه]

- زندگی من مثل شمع خرده خرده آب می‌شود.

زندگی ← آب

[+ مجرد] ← [+ سیال]  
[- ماده] ← [+ ماده]

- یک نوع خستگی گوارا و یا امواج لطیفی بود که از تنم به بیرون تراوش می‌کرد.

الف: خستگی ← تراوش کردن

[+ انسان] ← [- انسان]  
[- سیال] ← [+ سیال]

ب: خستگی ← گوارا

[+ انسان] ← [- انسان]  
[- سیال] ← [+ سیال]

- بال‌های مرگ هر دقیقه به سرو صورتشان ساییده نشده بود.

مرگ ← بال داشتن

[+ مجرد] ← [+ حیوان]  
[- جاندار] ← [+ پرنده]

- مثل این که مطابق یک قانون وحشی، دست‌های آن را بریده و در روغن داغ فرو کرده‌اند.

قانون ← وحشی

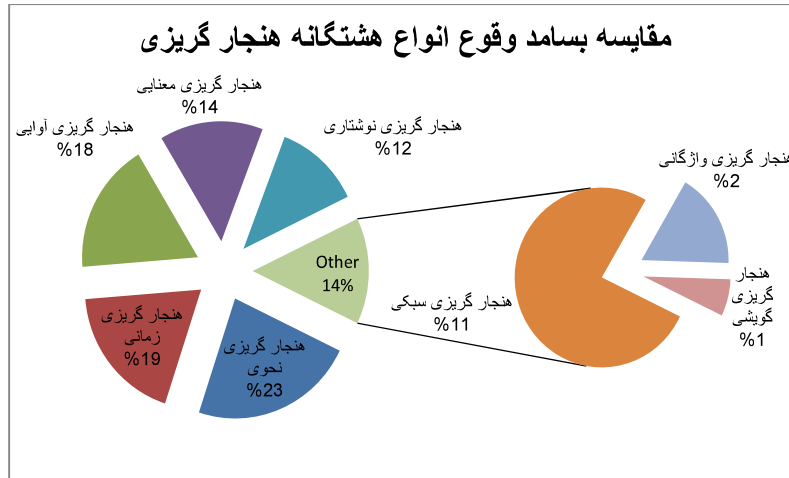
[- حیوان] ← [+ حیوان]

## ۷- نتیجه‌گیری

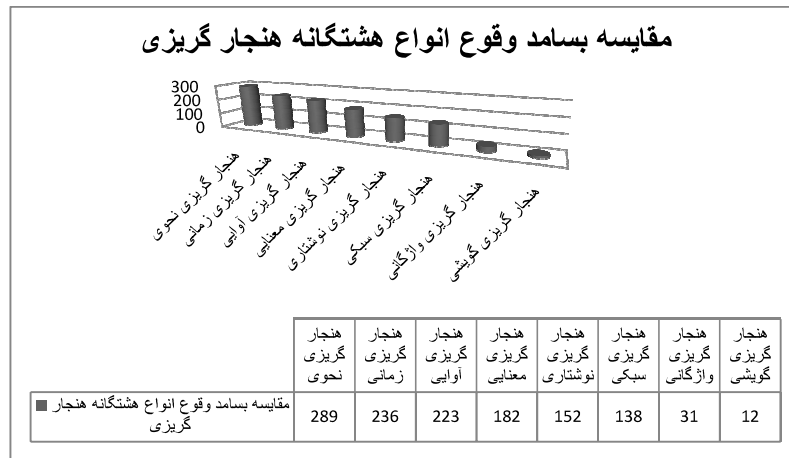
با توجه به نمودار ۱ و ۲ که نمایانگر وقوع تمامی هشت نوع هنجارگریزی‌اند، چنین می‌توان نتیجه گرفت که هدایت از تمامی هشت گونه هنجارگریزی در متن استفاده کرده است، بدین جهت فرضیه نخست، مبتنی بر وجود انواع هشتگانه هنجارگریزی در این رمان تایید می‌گردد. فرضیه دوم بر این استوار بود که هنجارگریزی‌های به کار رفته در رمان، با بسامدهای متفاوتی به چشم خواهند خورد. با توجه به نمودارهای فوق، این فرضیه نیز به تایید رسید. نتایج حاصل از نمودار ۱ نیز بدین شرح است:

۱- هنجارگریزی گویشی : ۱٪	۵- هنجارگریزی معنایی : ۱۴٪
۲- هنجارگریزی واژگانی : ۲٪	۶- هنجارگریزی آوایی : ۱۸٪
۳- هنجارگریزی سبکی : ۱۱٪	۷- هنجارگریزی زمانی : ۱۹٪
۴- هنجارگریزی نوشتاری : ۱۲٪	۸- هنجارگریزی نحوی : ۲۳٪

با توجه به نتایج به دست آمده، وقوع هنجارگریزی گویشی با اختصاص تنها یک درصد از کل آمار، به عنوان کم بسامدترین گونه هنجارگریزی به کار رفته در متن، شناخته شد. با توجه به نمودارهای مذکور، هنجارگریزی نحوی با برخورداری از ۲۳ درصد از کل آمار به دست آمده، بالاترین میزان وقوع را نشان داد و بدین ترتیب، پربسامدترین گونه هنجارگریزی محسوب می‌شود.



نمودار ۱ (نمایش نمودار درصدی دایره ای)



نمودار ۲ (نمایش نمودار استوانه‌ای)

## منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۹) *زبان و تفکر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۹) «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان، ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی: تهران: نشر مرکز.
- حاجی میرزا، مزگان (۱۳۸۰) *بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی آثار جلال آل احمد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- داودی، میترا (۱۳۸۶) *بررسی زبان‌شناختی سبک نثر در برخی آثار جمالزاده با توجه به بسامد گونه‌های هنجارگریزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- سجودی، فرزانه (۱۳۷۷) «درآمدی بر نشانه‌شناسی». فصلنامه سینمای فارابی، شماره ۳۰.
- سجودی، فرزانه (۱۳۷۷) «هنجارگریزی در شعر سپهری». کیهان فرهنگی شماره ۱۴۲، ۱۴۲.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۲) *زبان معیار*. نشر دانش، تهران: نشر دانشگاهی، شماره ۴.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰) *از زبان‌شناسی به ادبیات نظم*. تهران: نشر پژوهشگاه.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) *از زبان‌شناسی به ادبیات نظم*. تهران: سوره مهر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) *از زبان‌شناسی به ادبیات شعر*. تهران: سوره مهر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- کاخی، مرتضی (۱۳۷۱) *مطالعه سبک شناختی اخوان ثالث*. صدای حیرت بیدار، چاپ اول: تهران.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۹) *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات.
- موکارفسکی، یان (۱۳۷۳) *زبان معیار و زبان شعر*. ترجمه احمد اخوت، کتاب شعر، جلد ۲، اصفهان: مشعل.
- نبوی، محمد (۱۳۷۳) *از زبان تا شعر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- Bauer, L. (1984) *English word formation*. Cambridge University Press.
- Crawford, L. (2008) *Differance in Defamiliarization* :<http://links.jstor.org>.
- Holliday, M. A., MacIntosh. A & Stevens, P. (1964). *The linguistics, science and language teaching*. Longman.
- Jeffries, L. & McIntyre, D. (2010) *Cambridge Textbooks in Linguistics Stylistics*. New York: Cambridge University Press.

- Leech ,G. N . (1969) *A Linguistics Guide to English Poetry*. New York & London :Longman .
- Leech ,G.N. & Short,Mick. (2007) *Style in Fiction* .(2nd.edn). : Pearson Educaton Ltd.
- Margolin,Uri.(1994)*Russian Formalism*.John Hopkins University Press.
- Monod,Silvere.(1967)*Dickens the Novelist* . University of Oklahama.
- Peer,Willie.Van.(1986) *Stylistic and psychology , Investigation of foregrounding*. New Hampshire: Croom Helm.
- Shklovskij,V. (1998) *Literary Theory : An Anthology* .(ed.) Julie, Rivkin & Michael Ryan. Malden : Blackwell Publishing Ltd.
- Simpson,P. (2004) *Stylistics, A resource book*. London & New York: Routledge.
- Wales,K. (2007) *Dictionary of Stylistics*.( 2nd edn.) : Pearson Education Ltd.
- Wall,A. (2009) *Myth, Metaphor and Science* . Chester Academic Press.

---

سردار